

«مسجد محور جامعه اسلامی است»

# مهر

گاهنامه اجتماعی

سال اول  
شماره ۱  
خرداد ۹۵

ما آمدیم که ...  
سرمقاله

میز گرد مهر  
دیگران  
یه جو مردانگی  
جماعتی پر از گناه  
حدیث مهر  
...

# خرمشهر

راه آزادی



سوم خرداد سالروز آزاد سازی  
خرمشهر گرامی باد

# سلامت اعمال خیر



همکاران این مجموعه:

آقایان : اکبر قلیچ خانی، امیر حسین حاجی زاده، سید رضا ابراهیمیان، مهدی صفالو، مهدی

کماسی، امیررضا امیانی، رضا چارقلو، مهدی سلطانی، امیر حسین نظری

و با تشکر از ائمه جماعت محله مهرآباد جنوبی

و همچنین بسیج مسجد جامع صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه)

## مقاله ما آمدم کسه

مردم را بر اساس تقوا گرد هم جمع آورد. در قواعد مدرن امروزی که برای تصمیم سازی های بزرگ پیشنهاد گردیده اگر به چشم دقت نگاه کنیم اصول همان احکامی است که برای مسجد وضع شده است. نگاه کلان مدیریتی، در نظر گرفتن انصاف، دوری از نگاه فردی و تلاش برای حفظ اهداف جمعی یکسان خدا محور، رعایت و دقت در داشتن طهارت ظاهری و باطنی، همه احکام مترتب مسجد است که به بیانی

به روز تر امروزه به عنوان متدهای مهم مدیریت جامعه و هر سازمان مردم نهادی آموزش داده می شود البته بدون نام آوردن از صاحب این قوانین و دین اسلامش. هر چه از زمان حضرات معصومین فاصله گرفته ایم جایگاه مسجد کار کرد اجتماعی و مدیریتی و وجهه هدایتی خود را بر زندگی عموم مردم از دست داده و مسجدها مانده اند با یک نماز و چند احکامی که دارای بیان کهن و محصور در رساله های عملیه می باشند. این کوتاهی مسلمین که نتوانستند جایگاه مسجد را به عنوان مرکز تربیت و اصلاح و اجماع و رشد فکری و دینی فردی و اجتماعی مسلمانان حفظ و ارتقا بخشند از عوامل مهم عقب ماندگی اجتماعی مسلمانان است .

هر دینی که جایگاه محوری پایگاه اجتماعی خود را در جامعه از دست بدهد محکوم به انحراف و عقب ماندگی متدینین اش می باشد. و این خطر را در جامعه خودمان نیز کاملاً حس می کنیم.

هدف اصلی نشریه پیش رو، تعریف جامعه اسلامی با محوریت نهاد مسجد می باشد. بیان و شرح نیازها و الزامات جامعه اسلامی و تعریف اسلامی از جامعه –که مد نظر و مورد مطالبه بزرگان عزیزمان نیز می باشد- قدمهایی است که امید داریم با یاری و استعانت حضرت سبحان و دعای شما، توان برداشتنتش را داشته باشیم .

این قدمها و همت در ایجاد جامعه ای اسلامی که دارای ثنوری قابل دفاعی بوده و مبتنی بر شریعت مبین اسلام عزیز است، گامهایی است جهت استقلال فکری جامعه اسلامی، بدون نیاز به برنامه ها و روش های القا شده به جوامع مسلمین از جانب استکبار و نحلّه های فکری مر بوطه اش. تعریف بر اساس مبانی و با نگاه کاملاً



کاربردی که امکان بروز شدنش نیز وجود داشته باشد. نیست تفکرات و ایده های مجموعه حاضر در نشریه، آماده سازی و تربیت متفکرین اسلامی در حوزه علوم انسانی است که با تلاش و همکاری یکدیگر بتوانیم اولاً در شکوفایی و آزادسازی توان های بالقوه مساجد محله مان کوشش ایمانی کرده و جایگاه رفیع مسجد را معرفی نماییم و با بیان واقعیت های تلخ موجود چه در حوزه فردی و چه در حوزه اجتماعی و همچنین آینده شیرین ایده های مبتنی بر تفکر اسلامی در ترویج خوبیها و زدودن زشتی ها و پلیدی ها از جامعه خود کوشا باشیم .

و در نگاهی کلان تر، ثنوری علمی با سبقه تجربه عملی و ماکت آن به بزرگان و ان شاءالله جهان اسلام برای تعریف و تئوریزه جامعه اسلامی ارائه گردد.

اینها آغاز حملات جنگ نرم معتقدین به دین شریف اسلام و دلسوزان خط مشی امام و رهبری است به پایه های تفکری که هدف غایی آن مسخ مسلمین از مشی پیامبر مکرم اسلام و جامعه آرمانی اسلامی است، قدمهایمان را از همین محله و مسجد شروع می نماییم، ان شاء الله.

مقالات و متن های موجود نشریه همه نوشته های فرزندان مسجد می باشد داستانها، دغدغه ها، پرسشها که شاید برخی گزرنده و یا خام باشد ولی در حاق نوشتار، هدف اصلاح رفتارها و کردارهاست.

ممنون می شویم اگر اشتباهات مان را گوشزد کنید، ایرادهایمان را بگیرید، پیشنهادات را به گوش مان برسانید نظرات خودتان را در قبال مسجد و محله بیان نمایید. حتما منعکس خواهیم نمود قول می دهیم شنوای خوبی باشیم. دست عزیزانی که دوست دارند در نشریه فعالیت داشته باشند به گرمی میفشاریم، همه دعوتید.

این نشریه و دوستان زحمتکش آن، بی هیچ چشم داشتی نیست خدمت دارند و بسان نهال نوپایی می مانند که نیاز به حمایت و دعای خیر شما دارند.

و آخر دعوانا الحمدلله رب العالمین.

## احزاب

# مقاومت مؤمنانه رمز پیروزی

## ماجرای جنگ احزاب و جنگ حنین

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ جَاءَتْكُمْ جُنُودٌ ... ﴿٩﴾احزاب

ای کسانی که ایمان آورده‌اید نعمت‌خدا را بر خود به یاد آرید آنگاه که لشکریهایی به سوی شما [در]آمدند جنگ احزاب، چنانکه از نامش پیداست، نبردی بود که در آن تمام قبائل و گروههای مختلف دشمنان اسلام برای کوییدن «اسلام جوان» متحد شده بودند. بعضی از مورخان نفرات سپاه «کفر» را در این جنگ بیش از ده هزار نفر نوشته اند، در حالی که تعداد مسلمانان از سه هزار نفر تجاوز نمی کرد.

سران قریش که فرماندهی این سپاه را به عهده داشتند، با توجه به نفرات و تجهیزات جنگی فراوان خود، نقشه جنگ را چنان طراحی کرده بودند که به خیال خود با این یورش، مسلمانان را به کلی نابود سازند و برای همیشه از دست محمدصلی الله علیه و آله و سلم و پیروان او آسوده شوند. زمانی که گزارش تحرک قریش به اطلاع پیامبر اسلام رسید، حضرت شورای نظامی تشکیل داد. در این شورا، سلمان پیشنهاد کرد که در قسمتهای نفوذ پذیر اطراف مدینه خندقی کنده شود که مانع عبور و تهاجم دشمن به شهر گردد. این پیشنهاد تصویب شد و ظرف چند روز با همت و تلاش مسلمانان خندق آماده گردید؛ خندقی که پهنای آن به قدری بود که سواران دشمن نمی توانستند از آن با پرش بگذرند، و عمق آن نیز به اندازه‌ای بود که اگر کسی وارد آن می شد، به آسانی نمی توانست بیرون بیاید.

سپاه قدرتمند شرک با همکاری یهود از راه رسید. آنان تصور می کردند که مانند گذشته در بیابانهای اطراف

مدینه با مسلمانان روبرو خواهند شد، ولی این بار اثری از آنان در بیرون شهر ندیده و به پیشروی خود ادامه دادند و به دروازه شهر رسیدند و مشاهده خندقی ژرف و عریض در نقاط نفوذپذیر مدینه، آنان را حیرت زده ساخت زیرا استفاده از خندق در جنگهای عرب بی سابقه بود. ناگزیر از آن سوی خندق شهر را محاصره کردند. محاصره مدینه مطابق بعضی از روایات حدود یک ماه به طول انجامید. سربازان قریش هر وقت به فکر عبور از خندق می افتادند، با مقاومت مسلمانان و پاسداران خندق که با فاصله های کوتاهی در سنگرهای دفاع موضع گرفته بودند، روبرو می شدند. تیراندازی از هر دو طرف روز و شب ادامه داشت و هیچ یک از طرفین بر دیگری پیروز نمی شد.

إِذْ جَاؤُكُمْ مِّن فَوْقِكُمْ وَمِنْ أَسْفَلَ مِنكُمْ وَإِذْ زَاغَتِ الْأَبْصَارُ وَبَلَغَتِ الْقُلُوبُ الْحَنَاجِرَ وَتَظُنُّونَ بِاللَّهِ الظُّنُونَا ﴿١٠﴾ احزاب

هنگامی که از بالای [سر] شما و از زیر [پای] شما آمدند و آنگاه که چشمها خیره شد و جانها به گلوگاهها رسید و به خدا گمانهایی [نابجا] می‌بردید هُنَالِكَ ابْتُلِيَ الْمُؤْمِنُونَ وَزُلْزِلُوا زِلْزَالًا شَدِيدًا ﴿١١﴾ احزاب

آنجا [بود که] مؤمنان در آزمایش قرار گرفتند و سخت تکان خوردند

از طرف دیگر،محاصره مدینه توسط چنین لشگری انبوه،روحیه بسیاری از مسلمانان را بشدت تضعیف کرد. مسلمانان روزها و شب های سختی را سپری می کردند. مدینه در محاصره دشمن بود و سایه ده هزار سپاهی به

سر مدینه سنگینی می کرد. ترس این که هر لحظه ممکن است دشمن با گذشتن از خندق به شهر یورش برد، فکرها را آشفته می کرد.

وَأَنْزَلَ الَّذِينَ ظَاهَرُوهُمْ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مِن صِيَّاصِهِمْ وَقَدَفَ فِي قُلُوبِهِمُ الرَّعْبَ فَرِيقًا تَقْتُلُونَ وَتَأْسِرُونَ فَرِيقًا ﴿٢٦﴾ احزاب

و کسانی از اهل کتاب را که با [مشرکان] همپستی کرده بودند از دژهایشان به زیر آورد و در دلهایشان هراس افکند گروهی را می کشتید و گروهی را اسیر می کردید خبر پیمان شکنی قبیله یهودی «بنی قریظه» نیز فاش شد و معلوم گردید که این قبیله به بت پرستان قول داده‌اند که به محض عبور آنان از خندق، اینان نیز از این سوی خندق از پشت جبهه به مسلمانان حمله کنند که البته مسلمانان پس از این جنگ سراغ این یهودیان رفتند و به لطف خدا بدون درگیری آنها را نیز تسلیم کردند.

وَإِذْ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ إِلَّا غُرُورًا ﴿١٢﴾ احزاب

و هنگامی که منافقان و کسانی که در دلهایشان بیماری است می گفتند خدا و فرستاده‌اش جز فریب به ما وعده‌ای ندادند

وَإِذْ قَالَتْ طَائِفَةٌ مِّنْهُمْ يَا أَهْلَ يَثْرِبَ لَا مُقَامَ لَكُمْ ... ﴿١٣﴾ احزاب

و چون گروهی از آنان گفتند ای مردم مدینه دیگر شما را جای درنگ نیست برگردید...

در این میان منافقان نیز شروع به تشویش اذهان مؤمنین کردند و به بهانه های مختلف ایشان را به فرار به سمت خانه هایشان ترغیب می کردند.

تا این که پس از یک ماه اضطراب و انتظار، بالاخره روز رزم فرا رسید. سپاه کفر دست به عملیات متهورانه ای زد که از میان آنان پنج پهلوان اسب سوار از خندق گذشتند. شرایط بسیار سخت و حسّاسی بود. نفس ها در سینه ها

حبس شده بود. صفوفِ مسلمانان در جای خود میخکوب شده بودند. چرا که در میان این پنج تن قهرمان عرب «عمرو بن عبدود» حضور داشت. در این هنگام حضرت علیعلیه السلام به اذن پیامبرصلی الله علیه و آله و سلم به جنگ او رفت و شکستش داد.

... فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا وَجُنُودًا لَّمْ تَرَوْهَا وَكَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرًا ﴿٩﴾ احزاب

پس بر سر آنان تندبادی و لشکریهایی که آنها را نمی‌دیدید فرستادیم و خدا به آنچه می‌کنید همواره بیناست.

بعد از این قتال خداوند باد و طوفان را برانگیخت که همه چیز را ریشه کن کرد. چنان که احدی جای وسایل خود را نمی‌دید و خیمه هایشان کنده شده و کاسه‌هایشان واژگون گردید. پس گریزان بازگشتند، بی آن که به چیزی توجه کنند .

وَرَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِغُظِّهِمْ لِمَ يَتَّالُوا خَيْرًا وَكَفَى اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ الْقِتَالَ وَكَانَ اللَّهُ قَوِيًّا عَزِيزًا ﴿٢٥﴾ احزاب

و خداوند آنان را که کفر ورزیده‌اند بی‌آنکه به مالی رسیده باشند به غیظ [و حسرت] برگرداند و خدا [زحمت] جنگ را از مؤمنان برداشت و خدا همواره نیرومند شکست‌ناپذیر است .

جنگ احزاب آخرین تلاش مشرکان برای ایجاد یک جبهه قوی و همگانی بر ضد اسلام بود. پس از آن قریش رو به تحلیل رفت و مقدمات گسترش اسلام فراهم شد.

حال یک سؤال مطرح می شود؟ چرا همان مسلمانانی که در جنگ احزاب با قلت نفر توانستند بر تمام دشمنانشان در شبه جزیره عرب پیروز شوند در جنگی همانند جنگ حنین که پس از فتح مکه و در اوج اقتدار مؤمنین بود شکست خوردند؟ رمز پیروزی و شکست مسلمانان در این جنگ ها چه بود؟

جواب در شماره بعدی نشریه.

ادامه دارد...



## حنین

# چه میزبانی بهتر از



البته اون کار خودشو خوب بلده و هیچوقت کم کاری نمیکنه ولی بعضی وقتا تو با کارات یه کم دلخورش میکنی. این که وضع رفاقت نیست... پس معرفت کجا رفته؟

یه روز دم به دقیقه میخوای باهاش بشینی و سفره ی دلت رو واسش باز کنی، یه روز میگی ول کن بابا، الآن حسش نیست برم پیشش. بعضی وقتا از رو دوست داشتن، تا میاد یه کوچولو امتحانت کنه، انقدر سریع میری میفتی به دست و پاش که خدا غلط کردم، خودت کار منو ردیف کن،

غیر از تو کسی رو ندارم و از این حرفا... اما تا غلطک زندگیت میفته رو روال، خوشی میزنه زیر دلت. به کل یادت میره خدایی هم هست. اینکه نمیشه...

طرف مریض میشه مبینی رو در یخچال یادداشت میچسبونه «قرصام یادم نره».

به مادرش میگه سر ساعت یادآوری کن قرصامو بخورم. ساعت گوشیشو کوک میکنه ۵ دقیقه قبل از موعد قرص، زنگ بزنه تلویزیون رو تنظیم میکنه رو ساعتی که باید قرص بخوره روشن بشه. شمارش معکوس مایکروفر رو میچرخونه تا سر ساعت قرصا ونگ و ونگ کنه که نکنه آقا یدفعه تو خوردن قرصاش تاخیر بیفته. حالا... ای دل غافل...

حالا بهش میگن تا فراخوان لیکک مسلمونی رو شنیدی، سریع خودتو برسون بگو منم هستم زرتی شروع میکنه واسه خودش دلیل تراشیدن و بهونه آوردن و توجیه های الکی که حالا تازه دارن اذان میگن؛ نمیمیریم که... الآن حسش نیس. دو ساعت دیگه میخونیم. اما نمیدونه که این دارو هم زمانی بهترین و بیشترین اثرش رو میذاره که سر وقت استفاده بشه.

بابا ناسلامتی خدا داره میزبانی تو میکنه ها... رفیق دیگه جینگ تر از خدا میخوای؟

تورگی تر از خدا میخوای؟ زنگ یادآوری دیگه بهتر اذان؟

دیگه بهتر از شهادتین؟ دیگه بهتر از اسم حضرت امیر(ع)؟؟

برید خدا رو شکر کنید که داره صدای اذان میاد و الا حالا حالا ها... من باید برم کارگاه انسان سازی حضورمو تیک بزنم.

خدا داره واسم لیموشیرین قجاج میکنه؛ هرچی دیرتر برسیم شیرینیش کمتر میشه.

فعلا یاعلی...

چیتار بیدامون جوان امروز  
دیگه ان چی بگه ان  
و دغدغه ها امروز

✘ زخم اول: ساعت هفت صبح است و جوان امروزی در تلاش است که از رخت خواب گرم خانه دل بکند و آماده ی مدرسه رفتن شود. کلنجار رفتن با خود یحتمل با اشارتی محکم از سوی والده محترمه برق از سه فازش می پراند و قضیه به طور کل حل و فصل می شود. ولی زخم آنجا سر باز می کند که این دیر بیدار شدن ماحصل تا چند پاسی از نیمه شب بیدار ماندن به دلایل مبسوط مورد بحث در آینده است جوان امروزی با زخمش کنار می آید و زمزمه ای زیر لب می کند و به سمت زخم بعدی حرکت.

✘ زخم دوم: ساعت هفت و نیم صبح با کمی اضطراب جلوی مغازه بقالی دو محل آن طرف تر منتظر خرید دو سه نخیه دوستش. آتش به راه فندک آویزان جلوی درب ورودی مغازه، میزان ریسک پذیری را بالاتر می برد. سوای استفاده هفتاد هشتاد درصدی از دود سیگار رفیق شفیق احتمال درگیر شدن مستقیم این زخم را هم باید در نظر بگیرد. جوان امروزی مستعمل ناقص به سمت مدرسه می رود از مسیر زخم بعدی.

✘ زخم سوم: از خوش شانسی جوان امروزی می تواند این باشد که مسیر دبیرستان دوره دوم! دخترانه در راه مدرسه ی خودش باشد که جور تاخیر خوردن در دفتر انضباطی را نکشد و تشرهای معلمی که شاید دیگر نفسش مثل قدیم

خیلی حق نباشد. اما مصیبت از جایی شروع می شود که مسیر کج می کند به سمت دبیرستان دوره دوم! دخترانه. آنجا هم فرض به استفاده ی حداکثری رفیق شفیق کم استرس هست و احتمال بدتر ترکش مسیر که نهایت زخم است. در غیر این صورت اگر مقصود زخم جوان امروزی باشد که قس علی هذا... جاخالی جا خالی جا خالی. حرکت به سمت زخم چهارم.

✘ زخم چهارم: ساعت هشت و اندی صبح. کلاس سه چنده طبقه چند. کلاس گرم تابستانی و سرد زمستانی هنوز خوب برای خواب کلاس جاگیر نش... -برپا

- یکی یه برگه دربیارید برای کوئیز - ترجیحا کوئیز، معادل فارسی اش سخت است - طبقه ای دیگر به قوز صبحگاهی اش اضافه می شود. ترجیح

العینی برای احتمالا یکتا فرزندشان. دینگ دینگ دینگ... نوتیفیکشن ها همینجور بی قاعده و تصاعد بالا می رود در گروهی که معلوم نیست ماهیت تشکیلش چیست ولی هدفش کاملاً مشخص است. تغییر ضرب المثل ها، بنشین تو تلگرام و گذر عمر نیسن. وقت وقت بیرون زدن از تشرهاست...

ادامه دارد

↑ دینگ دینگ دینگ ...  
نوتیفیکشن ها همینجور بی قاعده و تصاعد بالا می رود در گروهی که معلوم نیست ماهیت تشکیلش چیست ولی هدفش کاملاً مشخص است. تغییر ضرب المثل ها، بنشین تو تلگرام و گذر عمر نیسن. وقت وقت بیرون زدن از تشرهاست ...



می دهم به مدرسه در فضایی جدا پردازم جهشی داریم به ساعت دو بعد از ظهر در خانه

✘ زخم پنجم: پرتاب سه امتیازی کیف نهی از کتاب و دفتر مدرسه به گوشه صندلی می گیرد و کیف(لذت) درجای خود قرارگرفتنش را از پرتاب می گیرد. صدایی بلند می شود که ناهار چی داریم؟ عدل سر سفره ناهار می رسد و به قاعده یک کارگر خسته ی روزمزد می خورد و مستقیم به فوت وقت بعد از آخرین لقمه غذا به سراغ گوشی فلان برند معروفش می رود که کم کم دارد همه گیر می شود بین خلق الله این بلاد. گوشی ای که عده ای به ضرب و زور از خانواده می گیرند و عده ای به طرفه

العینی برای احتمالا یکتا فرزندشان. دینگ دینگ دینگ... نوتیفیکشن ها همینجور بی قاعده و تصاعد بالا می رود در گروهی که معلوم نیست ماهیت تشکیلش چیست ولی هدفش کاملاً مشخص است. تغییر ضرب المثل ها، بنشین تو تلگرام و گذر عمر نیسن. وقت وقت بیرون زدن از تشرهاست...

ادامه دارد



# میزگرد اجتماعی مهندس

متأسفانه مساجد ما به یک روش هایی عادت کرده است. معتاد شده ایم به وضع موجود. مسجد را تقلیل داده ایم به یک نماز خواندن صرف و به این عادت کردیم. یک مقدار هم حکومت در این قضیه نقش داشته است. تعداد زیادی متولی فرهنگی تعریف کرده اند که شده اند رقیبی برای مسجد.

اولش مردم بودیم که انعکاس نظرات صاحب نظران اجتماعی محله را در قالب مصاحبه های فردی بگذاریم یا مقاله های شخصی این بزرگواران، تا اینکه دوستی پیشنهاد داد که برای هر شماره نشریه یک میزگرد با حضور مسئولان و صاحب نظران اجتماعی بگذاریم. متن پیش رو ما حاصل جلسه دو ساعته با بعضی ائمه جماعات مساجد محله مهرآباد است. متأسفانه برای بعضی بزرگواران مشکل پیش آمد و نتوانستیم در خدمتشان باشیم.

به نظر شما مهم ترین آسیب هایی که محیط اجتماعی محله ی مهرآباد را تهدید می کند چیست؟  
حاج آقا سیفی (امام جماعت مسجد امام رضا علیه السلام):

بسم الله الرحمن الرحيم. اولین مسئله را مسئله حجاب زنان می دانم و مسئله دوم را مسئله امنیت محله.  
حاج آقا شاکری (امام جماعت مسجد امام صادق علیه السلام):

بسم الله الرحمن الرحيم. به نظر بنده مهم ترین مشکل مهرآباد سطح پایین فرهنگ عمومی است؛ که این نتیجه ی مهاجرنشین بودن این محل، علم گریزی و... است. البته این به معنای مذهبی نبودن اهالی

نیست. علاوه بر آن عدم حضور شخصیت های برجسته علم و فرهنگی و... را اضافه کنید. حال این پایین بودن فرهنگ تبعاتی دارد: بیکاری، اعتیاد، قاچاق فרוشی، نزاع، بدحجابی، فحشا و ناامنی است. خانواده ها فرزندانشان را هدفمند و درست تربیت نمی کنند. و علت آن هم کارگر بودن پدر خانواده هاست که لاجرم وقت کمی را برای فرزندانشان می گذارند.

حاج آقا انصاری (امام جماعت مسجد امام باقر علیه السلام):

بسم الله الرحمن الرحيم. ان الله لا یغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بانفسهم. بنده هم با آقای شاکری موافق هستم. یکی از علل عقب ماندگی مردم ما (فارغ از مکان محله، در جاهای دیگر نیز بنده این را دیده ام) جهل است. جدیداً زیاد می بینیم که این قاچاقچی ها و مواد فروش ها را اعدام می کنند. علت وجود اینها جهل است.

حاج آقا صادقی (امام جماعت مسجد حضرت صاحب الزمان علیه الله تعالی فرجه):

بسم الله الرحمن الرحيم. به نظرم بحث بسیار مهمی است. تشکر می کنم از شما جوانان که این موضوع برایشان دغدغه است. در مورد سؤال. ما اگر بخواهیم آسیب شناسی کنیم هر قشری آسیب ها را از دید خود می بیند. پس قبل این سؤال باید سؤال دیگری پرسید: نقش مسجد در محله چیست؟ گاهی می گوئیم که مسجد جایی برای نماز خواندن صرف است. اگر این شد پس آسیب هایش محدود می شود. گاهی ما می آئیم تعریف می کنیم مسجد باید در حیطه محله خودش حکمرانی کند (که نظر خودم نیز همین است). مناسبات محله را او تعیین کند. خط مشی اصلی را او تعیین کند. اگر تعریف ما این شد



آن گاه آسیب های

یکبار محله از دید ما فرق می کند. آن گاه اگر محله ما موش دارد به مسجد بر می گردد تا بگیرد به این مسائلی که بزرگواران فرمودند و درست هم هست. یک محله اسلامی و یک مسجد پویا نباید این آسیب ها را شاهد باشد. من فکر می کنم خود ما ائمه جماعات هنوز به تعریف واحدی از مسجد نرسیده ایم. نداشتن تعریف برای مسجد نیز خود یکی از مهم ترین آسیب هاست. آسیب بعدی نیز نبود یک اتحادی بین جمعیت حزب اللهی محله مهرآباد است.

۱. به نظر شما اولویت دارترین اقداماتی که مساجد محله ی مهرآباد باید در موضوع مسائل اجتماعی انجام دهند چیست؟  
حاج آقا صادقی (امام جماعت مسجد حضرت صاحب الزمان علیه الله تعالی فرجه):

به نظر بنده اولین کار همان ایجاد وحدت بین مساجد است.  
حاج آقا سیفی (امام جماعت مسجد امام رضا علیه السلام):

بنده هم این را اولی می دانم.

حاج آقا شاکری (امام جماعت مسجد امام صادق علیه السلام):

متأسفانه مساجد ما به یک روش هایی عادت کرده است. معتاد شده ایم به وضع موجود. مسجد را تقلیل داده ایم به یک نماز خواندن صرف و به این عادت کردیم. یک مقدار هم حکومت در این قضیه نقش داشته است. تعداد زیادی متولی فرهنگی تعریف کرده اند که شده اند رقیبی برای مسجد.

من اولویت را این می دانم که امام جماعت مسجد آدم سالمی باشد، صادق باشد و جذابیت داشته باشد این از همه مهم تر است.

حاج آقا انصاری (امام جماعت مسجد امام باقر علیه السلام):

ائمه جماعات باید در زی امامت جماعتشان به امثال شیخ عباس قمی اقتدا کنند که نفسش را کشته بود. اگر این باشد و بین مساجد اتحاد هم باشد و عامل به حرف مان هم باشیم فرج حاصل خواهد شد. از نماز جمعه به ما گفتند شما نمی توانید جوانان را جذب کنید. من به ایشان گفتم ما اینجا سه وعده نماز داریم و کارمان سخت تر است شما که هفته ای

یکبار نماز دارید چقدر جوان جذب کردید؟  
۲. در حال حاضر مسجد شما در این رابطه چه اقداماتی انجام می دهد؟  
حاج آقا صادقی (امام جماعت مسجد حضرت صاحب الزمان علیه الله تعالی فرجه):

من احساسم این است که چون ما تا به حال به این سوالات به صورت جدی فکر نکردیم و جمع نشدیم روی آن تمرکز کنیم، اگرچه کار انجام دادیم ولی جدا جدا بوده است و باز خوردی نداشته ایم. برای همین به نظر من ما واقعا کار خاصی انجام ندادیم.

اگر مسجد فارغ از تعبدی که ذات آن است بتواند مقداری مشکلات مردم را حل کند و مردم حس کنند که مسجد در راه حل مشکلاتشان قدمی بر می دارد اعتماد برایشان ایجاد می شود. ما یک ایرادی هم داریم. الگو سازی هم نداشتیم. نتوانستیم یک نفر الگو به مردم معرفی کنیم که او واجد همه صفات آرمانی باشد که ما او را به مردم معرفی کنیم.

مسجد ما هم اگرچه کارهایی انجام داده است ولی هیچ خروجی ای نداشتیم. این جلسه مهم ترین کاری است که انجام شده است.

حاج آقا انصاری (امام جماعت مسجد امام باقر علیه السلام):

بگذارید یک جمله ای را عرض کنم خدمتان، خیلی روشن و با شهامت بگویم، هیچ کاری نکرده ایم.

چون منیت در مسجد زیاد است. اگر این منیت ها را کنار گذاشتیم مسجد می شود محلی

برای خدمت به جامعه.



# روزگار خوب می آید...



به نام او روزگار خوب می آید...  
 خوب کلمه ای غریب نیست!!!  
 بیاید روزگاری را تصور کنیم که با صدای اذان صبح بیدار و شاکر خداییم دیگر نگرانی برای مشکلاتی که هم اکنون در گیر آنیم نداریم.  
 اصلاً روزی را که در مدینه فاضله شروع شود تصور کنید. دیگر در این شهر با اعضای خانواده و همسایگانمان مشکلی نداریم،  
 با شهرداری یا مدیر با همکار با هیچ ارگان دولتی و خصوصی، هیچ تنشی میان ما و آنها نباشد دیگر از بی حجابی در جامعه از ارزش و اصول دینی و ... نگرانی نداریم و افسوس چیزی را نمی خوریم.  
 نهاد های اجتماعی و سیاسی خوب و حال ما هم خوب!!!  
 اما چگونه؟ چگونه یک

شهر بد و ن تنگ چشمی و بی ظرفیتی و خستگی و غفلت خواهد بود چگونه انسان در مقابل مشکلات مقاوم و ظرفیت های وجودی او بزرگ خواهد شد؟ بگذارید از اسلام و مسلمان بودن شروع کنیم، مگر برند مسلمان بودن برترین و بهترین نیست؟ مگر غیر از این است که اسلام برتر است پس چرا این برتری و بزرگی را نمی توان فریاد زد؟! البته چه بسا انسان هایی که تربیت یافته محور اصلی جامعه بودند و فریاد ها سر دادند که ما باید به این محور اصلی وصل شویم و راه را پیدا کنیم اما این اصل کدام است و کجاست؟!  
 اما بحث اسلام، آیا بحث در نماز شب و روزه گرفتن و حج و خمس و زکات است یا بحث در این است

چه چیزی به این اصول و اهداف جریان می بخشد اصلاً از کجا باید شروع کرد!! مدرسه، دانشگاه، خانواده که خود باید مربی ای داشته باشد یا مسجد و نهاد های دیگر، قرار بود دین ما را هدایت کند، دین برنامه زندگی است اما آیا این دین را به متن زندگی آوردیم؟ آیا این برنامه اجرا شده یا درست در حال اجراست؟! چه طور در حال رشد هستیم با کدام برنامه و این برنامه چگونه در حال اجرا شدن است چگونه این برنامه را باید فهمید با چه استادی و راه نمایی؟؟  
 هدف ها در دنیا مدام در حال تغییر است در رده های سنی مختلف، البته این به این معنی نیست که هیچ هدفی موفق نبوده باز هم چه انسان های موفق که راه

را بلد ند ظرفیت را پیدا کردند با وجود این همه مشکل، اما تکلیف ما چیست؟! این که از کجا باید شروع کرد خیلی مهم است، مهم است که نقطه شروع می تواند سه نهاد مهم خانواده، نهاد آموزشی، و نهاد اجتماعی باشد، حال چه طور هر سه را در یک جا جمع کرد و اجرا کرد محیطی که هم خانواده ها در آن شرکت کنند و هم آموزشی باشد و هم تربیتی و هم دارای کلمه جمع باشد و جامعه ای را تشکیل دهد شاید به همان دلیل که یک دست صداندارد.  
 هر روز این نهاد ما را صدا می زند شاید عجیب به نظر برسد اما صدای الله اکبر طنین انداز شده باید وضو گرفت باید لبیک گفت ... صدای اذان می آید.

# حرف و نور



شایان بلند شو برو از یخچال هندونه بیار

ساکت حرف نباشه. برو بیار .... سریع. بشمار سه اومدیا.

اگه بگی منم رمز کامپیوتر رو نیگما.

شایان بیا پشتم رو ماساژ بده .... پشتم گرفته.

پس منم رمز کامپیوتر رو نمیدونم.

حرف نباشه. هر چی میگم باید گوش کنی. تازه باید نون هم بخری.

پس رمز رو نمیخوای نه ....

داداش مشق دارم.

اگه به بابا نلغتم زور میگی.

ای خدا!!!!!!

نه نیام دارم مسئله حل میکنم. اصلاً من ماساژ بلد نیستم.

همش داری زور میگی.

میخوام برم مسجد ... نون رو خودت بخر.

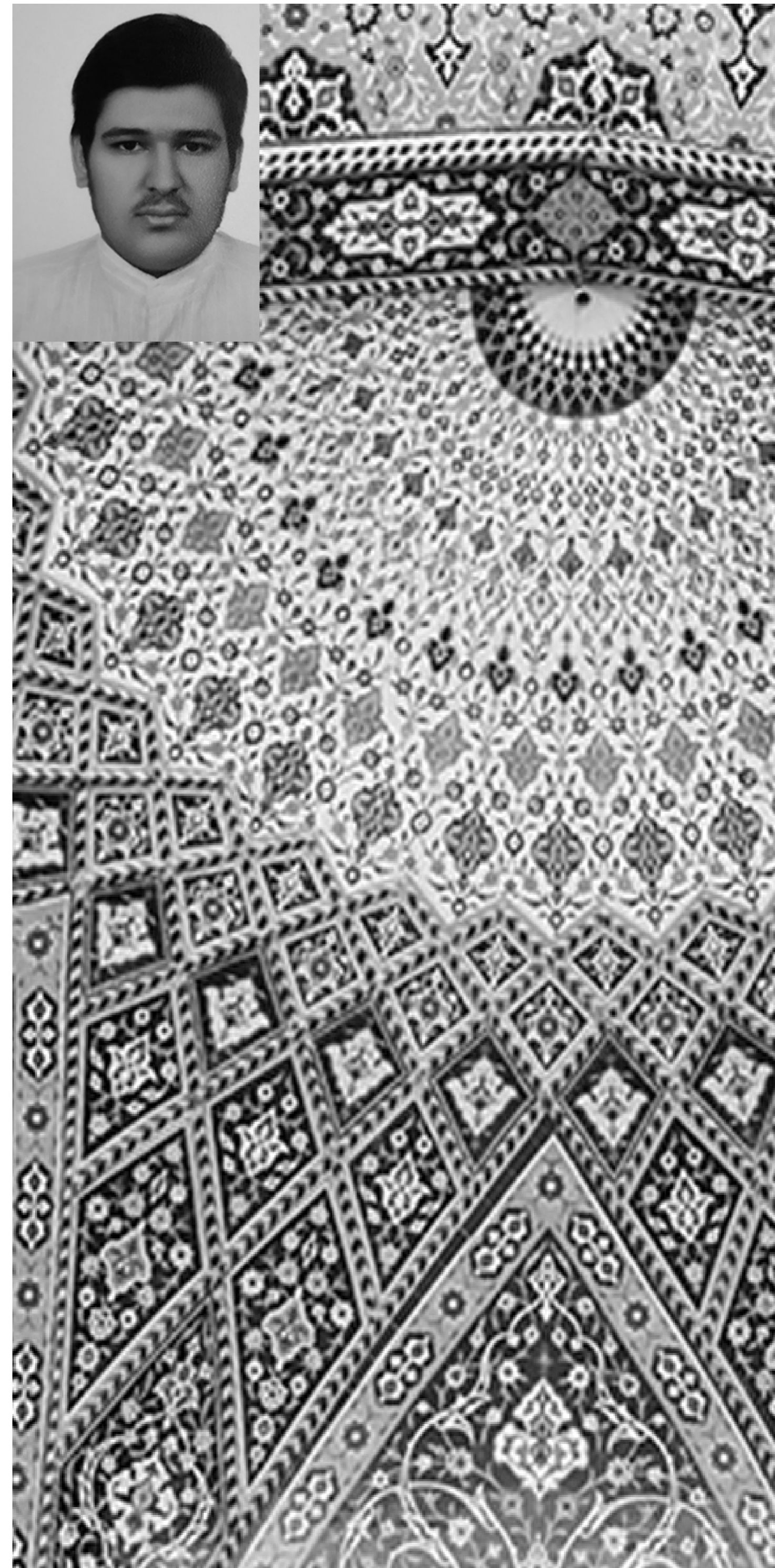
کامپیوتر مال خودت .....



بسم الله الرحمن الرحيم  
در سیره شهیدا  
۱. مسجد این سنگر های علم و  
ایمان را هیچ وقت خالی نگذارید.  
وصیت نامه شهید مسلم شکیبیا  
احکام

مسجد جامع چه تعریفی دارد؟  
ج: مسجد جامع مسجدی است که در  
شهر برای اجتماع همه ی اهل شهر  
بنا شده است بدون اینکه اختصاص به  
گروه و قشر خاصی داشته باشد.

منبع تمامی این مسائل :  
استفتائات حضرت ایت الله العظمی  
خامنه ای در مورد احکام مسجد می  
باشد



## یادداشت مدیر مسئول



### به نام او

ممنون که تا اینجا خواندیدمان. سن نشریه ای مان کوچک تر از آن است که بی عیب و حتی کم عیب باشیم. کوچک ترها نیاز به راهنمایی بزرگترها دارند و ملاک بزرگتری صرفاً سن نیست. پس شما خواننده عزیز! در هر سنی هستی، به سوی شما دست یاری دراز می کنیم. نسیم مهر برای ادامه مسیر نیاز به یاری شما دارد. اگر می نویسید، اگر منتقد خوبی هستید، اگر عکس می گیرید، اگر گرافیسیت هستید، اگر به خبرنگاری علاقه دارید، اگر نسبت به موقوع محله مان دغدغه مندید، اگر برای تغییر جامعه مان ایده ای دارید «نسیم مهر» بهترین جا برای فعالیت است. یکی از اهداف ما گردهمایی نخبگان محله و اجماع فکری برای بهتر شدن کیفیت زندگی و ایجاد سازمان مردم نهاد جهت حل مشکلات محله خودمان است. پس از راه های ارتباطی زیر خودتان را به ما معرفی کنید تا دغدغه مندان محله یکدیگر را بهتر و بیشتر بشناسند:

شماره پیامک نشریه: ۰۹۱۰۹۸۳۶۷۷۲

آدرس ایمیل: ۱۳۹۵@nasimemehr@gmail.com

آدرس وبلاگ نشریه: ۱۳۹۵.blog.ir.nasimemehr

کانال تلگرامی: @nasim\_e\_mehr

نسخه الکترونیکی نشریه را روی سایت می توانید پیدا کنید.

شاید برای شما سؤال شده باشد که این نشریه قراره است هر چند وقت یکبار چاپ شود؟ فعلاً قصد داریم گاهنامه ای چاپ کنیم. یعنی در هر نشریه زمان انتشار شماره بعدی را اعلام کنیم تا اگر خدا خواست با جمع کردن یک تیم قوی بتوانیم نشریه را تبدیل به یک ماهنامه بکنیم. عجلتاً مطلع باشید که شماره بعدی «نسیم مهر» اوایل تیرماه (یکی از سه شب قدر) منتشر خواهد شد.

نکته مهم بعدی بحث تأمین مالی است! بله، نشریه ای با این ابعاد برای چاپ نیاز به عنصری حیاتی به نام پول دارد. همین جا بگوییم که به هیچ نهادی وابسته نیستیم. مهم ترین دلیل استقلال مان عدم وابستگی مالی است. پس هم اکنون نیازمند یاری گرمتان هستیم! می توانید کمک های نقدی تان را به شماره کارت ۶۰۳۷۷۰۱۰۵۸۴۳۴۴۰۵ (حاجی زاده) و کمک های غیر نقدی تان (که این یکی خیلی مهم تر است، مثل در اختیار گذاشتن دستگاه کپی سیاه و سفید و رنگی A۳) به بنده تحویل دهید.

برای طراحی لوگو نشریه هم می خواستیم مسابقه بگذاریم که خوب چون پول نداریم و نمی توانیم هدیه بدهیم منتفی شد! ولی اگر کسی لطف کرد و خواست لوگو طراحی بکند قطعاً استقبال می کنیم! لوگویی برای نام «نسیم مهر».

در آخر یادی کنیم از عزیزی که سال گذشته همین موقع اجرای مراسم جشن نیمه شعبان را بر عهده داشت. ابوالفضل اخوان عزیز که شخصاً افتخار شاگردی اش رو داشتم و خیلی از این نویسنده ها مدیون زحمات اویند. با فاتحه ای روح رفتگان را شاد کنیم.